

The critical view of society as a component of social commitment in Persian literature*

Leyla Mohammadnejad kalkanari

PhD student of Persian language and literature, Qhaemshahr Azad University

Dr. Hossein Parsaie¹

Dr. Hesam Ziaie

Associate professors of Persian language and literature, Qhaemshahr Azad University

Abstract

Intellectual acquaintance with western political and social developments during the constitutional period and the emergence of social symbolism in the Nima era reinforced the socialist view of literature. Meanwhile, Karikalmators (short-written texts) illustrate social truths such as despair and hope, love and hate, affliction and happiness, and so on. In fact, the authors of Karikalmators convert this literary current to an arena where to express social emotions and put the tasks of enlightenment, criticism, and disclosure on it. This study aims to investigate the use of social criticism in creating a humorous atmosphere by examining the caricatures of the nineties. By examining the collections of Abbas Golkar, sohrab Gol Hashem, Mohammad Ali Azadikkah and Amir Khoshvagti, the authors have analyzed social criticism in terms of poverty and inflation, censorship, closed society, social silence, destruction of nature, moral decadence bribery and lawlessness. According to the results, the highly frequent social critics in the field of caricatures of the nineties are Golkar (33%), Khosh vagti (30%), Azadikhah (32%) and Golhashem (19%).

Keywords: Karikalamator, Satire, Social critics of the nineties.

* Date of receiving: 2020/8/9

Date of final accepting: 2021/9/20

1 - email of responsible writer: h.parsaei@qaemiau.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیست و دوم، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۵۱

صفحات ۲۲۹-۲۰۱

DOR: [20.1001.1.17359589.1400.22.51.7.3](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1400.22.51.7.3)

تحلیل انتقادهای اجتماعی در کاریکلماتورهای دهه نود*

(مقاله پژوهشی)

لیلا محمدنژادکلکناری

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه آزاد قائم شهر

دکتر حسین پارسایی^۱

دکتر حسام ضیایی

استادیاران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد قائم شهر

چکیده

نگاه انتقادی به جامعه، یکی از مؤلفه‌های تعهد اجتماعی در ادبیات فارسی است. آشنایی روشنفکران با تحولات سیاسی و اجتماعی غرب در دوره مشروطه و ظهور سمبولیسم اجتماعی در عصر نیما، نگاه جامعه‌گرایانه به ادبیات را تقویت کرد. در این میان، کاریکلماتور نیز تا حدود زیادی، همپای دیگر جریان‌های ادبی معاصر، تصویرگر واقعیات اجتماعی از قبیل یأس و امید، عشق و نفرت، رنج و شادی و... است. در حقیقت، نویسندگان کاریکلماتور این جریان ادبی را عرصه‌ای برای طرح عواطف اجتماعی تبدیل کرده و وظیفه روشنگری، انتقاد و افشاگری را بر دوش آن گذاشته‌اند.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی کاریکلماتورهای دهه نود، کاربرد انتقادهای اجتماعی آنها را در ایجاد فضای طنز واکاوی کند. نویسندگان با بررسی مجموعه کاریکلماتورهای این دهه، انتقاد اجتماعی را در زمینه‌های فقر و تورم، سانسور، فضای بسته جامعه، سکوت جامعه، تخریب طبیعت، انحطاط اخلاقی، رشوه‌خواری و بی‌قانونی تحلیل کرده‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده، فراوانی انتقادهای اجتماعی و خلق موقعیت‌های طنزآمیز در کاریکلماتورهای دهه نود به ترتیب عبارتند از: گلکار (۳۳ درصد)، خوش‌وقتی (۳۰ درصد)، آزادیخواه (۲۳ درصد) و گل‌هاشم (۱۹ درصد).

واژه‌های کلیدی: کاریکلماتور، طنز، انتقاد اجتماعی، دهه نود.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۹

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: h.parsaei@qaemiau.ac.ir

۱- مقدمه

با پیوند عمیق انسان و اجتماع در عصر حاضر، نوعی داد و ستد فرهنگی در حوزه‌های مختلف بین اندیشه‌های بشری و پدیده‌های اجتماعی شکل گرفت. این رابطه دوسویه در شناخت تحولات اجتماعی و تحلیل شکل‌گیری و تکوین اندیشه‌های فردی به ما کمک می‌کند؛ به این معنی که از یک‌سو، هنرمند در آفرینش اثر هنری، از جامعه و تحولات همیشگی آن، تأثیر می‌گیرد و از سوی دیگر، با خلق اثر خود، ناخودآگاه بر جامعه تأثیر می‌گذارد.

ادبیات را هم می‌توان پدیده‌ای اجتماعی دانست. در دوره معاصر، مظاهر گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... به نوعی با جامعه و مردم مرتبط هستند. جامعه‌شناسی در ادبیات وظیفه تبیین این ارتباط را بر عهده دارد. به همین سبب، جامعه‌شناسان می‌کوشند تا پیوندی میان ادبیات و این دانش، برقرار کنند و تصویری جامع و روشن از سیر تحول اجتماعی آن جامعه ارائه دهند. در حقیقت، نقد جامعه‌شناختی پیدایش خودبه‌خودی ادبیات را نمی‌پذیرد؛ بلکه معتقد است ادبیات در بطن جامعه، شکل می‌گیرد و یکی از نمودهای آن است (موران، ۱۳۸۹: ۹۳). محققان و پژوهشگران نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند. دوبونال (de Bonald) ادبیات را بیان حال جامعه می‌داند (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۰۰). رضا براهنی نیز به رابطه دوسویه شاعر و اجتماع، اشاره دارد: «شاعر جزئی از اجتماع است که شعر را در خدمت مردم و جامعه قرار می‌دهد و تصویرگر روابط خود با اجتماع است» (۱۳۷۱: ۲۳۴).

هرچند بسیاری از آثار ادبی کلاسیک آیینۀ تمام‌نمای جامعه، فرهنگ، تاریخ و آداب و رسوم عصر پدیدآورندگان آنها هستند، اما این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات ایران به اندازه دوره معاصر، با نگرش اجتماعی، پیوند نخورده است.

در این دوره، شاعران و نویسندگان متعهد آثار خود را به بیان مسائل اجتماعی پایبند می‌دانند و تلاش می‌کنند تا نابسامانی‌ها و مشکلات جامعه را به زبان هنری بازگو کنند و سعی دارند زبان حال جامعه باشند. در این میان، کاریکلماتور نیز همپای دیگر جریان‌های ادبی معاصر، تصویرگر واقعیات اجتماعی از قبیل یأس و امید، عشق و نفرت، رنج و شادی و... است. در حقیقت، نویسندگان کاریکلماتور این جریان ادبی را عرصه‌ای برای طرح عواطف اجتماعی تبدیل کرده و وظیفه روشنگری، انتقاد و افشاگری را بر دوش آن گذاشته‌اند. آنها به عنوان بخشی از ناقدان اجتماعی، با عکس‌العمل سریع و بموقع در رویارویی با تحولات جامعه، دغدغه‌های خود را با زبان طنز، به مخاطبان منتقل می‌کنند. بسامد بالای بیان دغدغه‌های اجتماعی در کاریکلماتورهای دهه نود نشان می‌دهد که پدیدآورندگان آنها در مقابل نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... که بر جامعه سایه افکنده، سکوت را جایز نشمرده و با زبانی گاه صریح و گاه نمادین، به طرح آن پرداخته‌اند. از این رو، مسلماً تحلیل این دغدغه‌ها مهم و مفید است و این پژوهش می‌کوشد تا نشان دهد که چگونه نویسندگان از مضامین اجتماعی در ساخت کاریکلماتور و ایجاد فضای طنز بهره می‌گیرند.

۲- پیشینه پژوهش

درباره تحلیل مضامین اجتماعی در ادبیات معاصر مقالات زیادی نگاشته شده؛ اما تا کنون مقاله‌ای مستقل در بررسی این مضامین در کاریکلماتور، پدید نیامده است. از آنجا که مضامین اجتماعی و اعتراض در شعر پس از انقلاب در چند مقاله تحلیل شده و بخش‌هایی از آنها بویژه انتقاد از اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، با پژوهش حاضر ارتباط دارد، به آنها اشاره می‌شود.

- علی‌اصغر باباصفیری و نوشین طالب‌زاده در مقاله «بررسی و تحلیل شکواییه اجتماعی در شعر معاصر» (۱۳۹۲) اشعار پانزده تن از شاعران معاصر را از جنبه

شکایت‌های اجتماعی تحلیل کرده‌اند. این نویسندگان ضمن تحلیل انواع شکواییه‌های اجتماعی -از قبیل شکوه از مردم جامعه، شهر و دیار، فضای نامناسب اجتماعی، اختلاف طبقاتی جامعه، بی‌عدالتی و بیداد و جایگاه نامناسب زن در جامعه- به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین بسامد این شکایت‌ها مربوط به فروغ فرخزاد است. همچنین شکواییه اجتماعی در سروده‌های نیمایی بیشتر از اشعار کلاسیک دیده می‌شود.

- نجمه طاهری ماه‌زمانی و دیگران در مقاله «بررسی مضامین شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی» (۱۳۹۳) این گونه شعرها را به دو دسته اعتراض‌های جهانی و درون‌کشوری طبقه‌بندی کرده‌اند. نویسندگان فوق، مضمون نوع اول را بیشتر حول مسائلی چون اعتراض به سیاست‌های قدرت‌های جهانی و مضمون نوع دوم را شکوه از دگرگونی ارزش‌ها، دلتنگی از تجمل‌گرایی، خرده بر بی‌دردی، مذمت اهل ریا و فرصت‌طلبان، شکوه از فریب‌کاری و فراموشی گذشته، اوضاع نابسامان جانبازان و رزمندگان، تضاد طبقاتی و... دانسته‌اند که شاعران آنها را با زبانی طنزآمیز به تصویر کشیده‌اند و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که اهداف شعر اعتراض فقط ارزش‌های اسلامی، اصلاح جامعه و مبارزه با انواع بی‌عدالتی است.

- رحیم کوشش و زهرا نوری در مقاله «بررسی ادب اعتراض در جریان شعر سمبولیسم اجتماعی» (۱۳۹۶) بارزترین ویژگی این جریان ادبی را پیوند معنادار شعر با اجتماع و انعکاس مسائل جامعه در آن دانسته‌اند. در این مقاله، مؤلفه‌های اعتراض در شعر شاعرانی چون نیمایوشیج، احمد شاملو، اخوان‌ثالث، فروغ فرخزاد و حمید مصدق، بررسی شده است. نتایج بررسی بیانگر این مطلب است که از یک‌سو، استبداد و نابسامانی شرایط اجتماعی دلیل اصلی شعر اعتراضی این شاعران بوده و از سوی دیگر، فقر، فاصله طبقاتی، بی‌عدالتی و نابرابری ارزش‌ها، استبداد و استعمار مهم‌ترین جنبه‌های اعتراض در شعر این دوره است.

- حسن بشیر و میلاد عرفان‌پور در مقاله «تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی» (۱۳۹۷) با روش تحلیل گفتمان پدام (PDAM)، انتقاد اجتماعی در شعر دهه اول تا سوم انقلاب را تحلیل کرده‌اند. این نویسندگان با بررسی انتقادهای شاعران از مفاسد اقتصادی و اداری، تفرقه و کمرنگ‌شدن همدلی و برادری، آسیب‌های زندگی مدرن و تمدن شهری، بی‌انگیزگی و رکود و انفعال، عقیده و رفتار روشنفکران، غریب‌زدگی، غفلت جامعه، رشد ریا و نفاق، اعتیاد، ضعف دشمن‌شناسی، فقر، دنیاگرایی و مصرف‌گرایی، افول سلامت روانی جامعه، هجرت روستاییان به شهر، بدحجابی و... به این نتیجه دست یافته‌اند که شش گفتمان برتر انتقاد اجتماعی عبارتند از: افول اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، روانی، اقتصادی، دینی و سیاسی.

۳- پرسش پژوهش

مقاله حاضر پاسخگوی پرسش‌های زیر خواهد بود:

- ۱- مؤلفه‌های انتقادهای اجتماعی در کاریکلماتورهای دهه نود کدامند؟
- ۲- بسامد انتقادهای اجتماعی در این دهه چقدر است؟

۴- حدود پژوهش

- خوشمزه‌ترین میوه درخت (۱۳۹۰) نوشته محمدعلی آزادینخواه
- اتو برای چروک صورت (۱۳۹۰) نوشته امیرخوش وقتی (تنها)
- قلم کم حرف (۱۳۹۵) نوشته سهراب گل‌هاشم
- قفس خالی پر از آزادی است (۱۳۹۸) نوشته عباس گلکار

۵- روش پژوهش

شیوه انجام این پژوهش، تحلیل متن است. در این تحقیق، ابتدا مجموعه کاریکلماتورهای دهه نود را انتخاب کردیم. پس از مطالعه دقیق، انتقادهای اجتماعی موجود در آنها جمع‌آوری شدند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، مضامین مشابه را دسته‌بندی کردیم. سرانجام به تحلیل نمونه‌ها و داده‌های خام جمع‌آوری شده پرداختیم.

۶- چارچوب مفهومی

۶-۱- کاریکلماتور و پیشینه آن

کاریکلماتور نوشته‌ای کوتاه و طنزآمیز است که با نگاه تازه و متفاوت به پدیده‌های پیرامون و کشف رابطه میان اشیا و موجودات، قلمرو تازه‌ای از واقعیات جهان را پیش چشم مخاطب به نمایش می‌گذارد. نویسنده کاریکلماتور بر تن مفاهیم ذهنی خود لباس طنز می‌پوشاند و با کمک عناصر برجسته‌سازی و غافلگیری، از یک‌سو، خنده‌ای گاه شیرین و گاه تلخ بر لب مخاطب می‌نشانند و از سوی دیگر، با ضربه‌ای کوتاه ولی مؤثر ذهن او را تا مدت‌ها درگیر می‌کند.

خاستگاه کاریکلماتور را طنز و مطایبه دانسته‌اند. «در واقع کاریکلماتور بین دو محدوده طنز و فکاهی در حرکت مداوم است. در جایی که هدف خندانیدن است به مطایبه و آنجا که خنده برای استهزاگرفتن مشکلات است به طنز پهلو می‌زند» (تسلیم‌جهرمی و طالبیان، ۱۳۹۱: ۳۶). نخستین بار، احمد شاملو در سال ۱۳۴۶، تعدادی از جملات کوتاه پرویز شاپور را در مجله خوشه چاپ کرد و به طنز، نام کاریکلماتور را برای آنها به کار برد. این واژه قراردادی و دوزبانه از ترکیب دو واژه «کاریکاتور» انگلیسی و «کلمات» فارسی ساخته شده است.

با آن که تا کنون تعریف جامع و کاملی از کاریکلماتور ارائه نشده؛ اما از لابه‌لای تعاریف متعدد، می‌توان به ویژگی‌های مختلف آن پی برد. در فرهنگ‌نامه ادب فارسی به

کوتاهی و طنزآمیز بودن آن اشاره شده است: «کاریکلماتور نوعی جمله قصار یا کلام کوتاه مثنوی و ساده است که به یک موضوع واحد می‌پردازد و مضمون آن دربردارنده نکته‌ای فکاهی یا جدی است» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۱۳۴). سیروس شمیسا بر این نکته تأکید دارد که «کاریکلماتور سخنان کوتاه حکیمانه و طنزداری است که گاهی به کلمات قصار نزدیک می‌شود؛ زیرا در آن نکته‌ای است» (۱۳۷۶: ۲۳۷).

عزیز محمدی اصل غافلگیری را نیز به کاریکلماتور می‌افزاید: «کاریکلماتورها جملات کوتاه و حاوی نکات برجسته و طنزگونه‌ای هستند که با استفاده از عنصر غافلگیری، ذهن خواننده را درگیر و با ضربه‌ای کوتاه ولی جایگیر، تا مدت‌ها تأثیر خود را بر ذهن و زبان مخاطبش حفظ می‌کند» (۱۳۸۵: ۷). حسین‌پور به شگردهای بازی با کلمات و کاربرد مفاهیم متضاد در کاریکلماتور اشاره می‌کند که «نویسنده با برجسته کردن برخی جزئیات، بازی با کلمات، برخورد با مفاهیم متضاد و... باعث ایجاد ذوق و تفکر در خواننده می‌گردد» (طالبیان و تسلیم‌جهرمی، ۱۳۹۱: ۲۵). عمران صلاحی با تأکید بر ایجاز و تلفیق خط با کلمه می‌نویسد: «کاریکلماتور یعنی عوض کردن جای کلمه و خط با هم. یعنی با کلمه ترسیم کردن و با خط تحریر کردن. با کمترین کلمات و حداقل خطوط» (همان: ۳). هرچند کاریکلماتور در تعاریف ارائه شده، در قالب نثر ظهور می‌یابد؛ اما استفاده از امکانات فوق‌العاده زبان، می‌تواند آن را به شعر نزدیک کند. اگر این نظر را بپذیریم که کاریکلماتور گاه به شعر پهلو می‌زند، پس، لااقل، می‌توان بعضی از آنها را در قالب شعر مثنوی جای داد. به اعتقاد شفیع کدکنی شعرهای مثنوی معمولاً کوتاه‌اند و جهان‌بینی و حال و هوای شعر بر فضای اثر حکومت می‌کند (۱۳۹۱: ۲۴۲) که با کاریکلماتور همخوانی دارد.

۶-۲- ادبیات، کاریکلماتور و تعهد اجتماعی

نگاه انتقادی به جامعه، شناسایی ناهنجاری‌های اجتماعی و رویکرد اصلاحی به آنها از مؤلفه‌های تعهد اجتماعی در ادبیات فارسی است. گلدمن (Goldmann) بر این نکته تأکید دارد که «هیچ کس از روزگار باستان ارجاع اثر ادبی به عناصری از واقعیت اجتماعی یا آگاهی مشترک ملت یا گروه اجتماعی خاصی را منکر نیست» (۱۳۷۷: ۸۳). حتی گروهی نیز تعهد اجتماعی گذشتگان را پررنگ‌تر از معاصران دانسته‌اند. به اعتقاد اینان «در گذشته اصل بر این بوده که ادیب باید متعهد باشد و عدم تعهد به اجتماع بعداً شکل گرفته است» (الحکیم، بی تا: ۳۰۶).

با این حال، اگرچه تفکرات انتقادی و اصلاح طلبانه در دیوان شاعرانی چون ناصر خسرو، سنایی، عبید زاکانی، سیف فرغانی، حافظ و... موجود است، اما «این گونه شاعران که انتقاد اجتماعی مستقیم و با انگیزه‌های اجتماعی داشته باشند اولاً، انگشت‌شمارند و ثانیاً، شعر انتقادی همین بزرگان هم در حدی نیست که بتوان آن را یک جریان مستمر و ریشه‌دار به شمار آورد. آنها بیشتر ناصح‌اند تا منتقد» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۶۷). به همین سبب در تقسیم‌بندی کلاسیک از عنوان ادب اعتراضی و انتقادی یاد نشده است. ریشه شکل‌گیری ادبیات اعتراض را باید در تحولات سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه جستجو کرد. آشنایی با فرهنگ سیاسی و اجتماعی غرب در این دوره، بر بسیاری از مظاهر زندگی مردم تأثیر گذاشت. از آنجا که «در هیچ جای دنیا آثار هنری و احساسات نهفته و تضمین شده آن عوض نشده‌اند، مگر در دنباله عوض شدن زندگی اجتماعی» (نیما، ۲۵۳۵: ۳۶)، تغییر زیربنای زندگی مردم، نگاه جامعه‌گرایانه را به ادبیات تقویت کرد. اسکارپیت (Escarpit) نیز بر پیوند جدایی‌ناپذیر ادبیات با زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر دیدگاه نویسنده تأکید دارد (۱۳۷۴: ۱۳). مطابق دیدگاه جامعه‌گرایانه، «نویسنده نباید از واقعیت و مسائل اساسی زمان خود غافل باشد» (سارتر و دیگران، ۲۵۳۶: ۵۶). در

نتیجه، توجه به مسائل جامعه به عنوان اصلی‌ترین مبانی فکری در ادبیات معاصر مطرح گردید.

ظهور نیما تفکر جامعه‌گرایی را گسترش داد و روح التزام و تعهد را در کالبد شعر فارسی دمید. او با آگاهی از رسالت اجتماعی هنرمند، شعر را به محملی برای طرح دیدگاه‌های جامعه‌گرایانه تبدیل کرد. سمبولیسم اجتماعی و نمادها و تمثیل‌های شاعرانه او، بستر مناسبی برای پیروانش در طرح تفکرات اعتراضی و تقبیح ناشایستی‌ها فراهم آورد. هدف این جریان «بالبردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً، پیامی اجتماعی و انسانی در آن، بازگو می‌شود... از این رو، مسأله فرد از میان می‌رود و هرچه هست اجتماعی است» (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۴-۱۲۳).

شرایط نامساعد و خفقان‌آور سیاسی و اجتماعی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، گرایش روشنفکران و اهل قلم جامعه را به سمت انتقادهای طنزآمیز اجتماعی تسریع کرد. به اعتقاد شفیع‌کدکنی، «از لحاظ اجتماعی، در این دوره، برخورد تند عاطفی که نسل قبل با مسائل داشت، کم‌رنگ می‌شود و شاعران به مسائل اجتماعی، بیشتر خیره می‌شوند و تأمل می‌کنند. آن یأس کزایی یا آن امیدواری عجیب و غریب کم‌رنگ می‌شود؛ ولی سنتز آنها تبدیل به یک تفکر عمیق اجتماعی همراه با نوعی نگرش انتقادی طنز می‌شود» (۱۳۸۰: ۷۳).

اگر گفته یان‌جک (Yan Jack) را قبول کنیم که «طنز زاده‌ی غریزه‌ی اعتراض است؛ اعتراضی که به هنر تبدیل شده است» (پلارد، ۱۳۸۳: ۱۲)، بنابراین، می‌توان پذیرفت که کاریکلماتور نیز به عنوان یک جریان نوظهور که ریشه در طنز دارد، از میان اعتراض‌های دهه سی و چهل در ادبیات معاصر سربرآورد - «دهه‌ای که تقابل سنت و مدرنیته و شرایط اجتماعی و اختناق سیاسی، طنز و مطایبه را ایجاب می‌کرد» (طالبیان و تسلیم‌جهرمی، ۱۳۹۱: ۵۶). به همین سبب، منوچهر آتشی کاریکلماتور را «شعر اعتراض» می‌نامد (همان: ۴۱).

هرچند اعتراض و انتقاد اجتماعی را در کاریکلماتورهای پرویز شاپور کمتر می‌توان دید؛ اما پیروانش از این مفهوم غافل نمانده و مجموعه‌های خود را با خلق موقعیت‌های طنزآمیز انتقادی آراسته‌اند. بررسی و تحلیل مجموعه کاریکلماتورهای دهه نود نشان می‌دهد که نقد اجتماعی و برجسته‌نمایی معایب جامعه در آنها قوی است و هیچیک از چارچوب‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و... از اعتراض و انتقاد نویسندگان به دور نمانده است. البته، لازم است یادآوری شود که بعضی از این مفاهیم انتقادی بسامد بیشتری در کاریکلماتورها دارند که این پژوهش در تحلیل خود، آنها را بر اساس فراوانی دسته‌بندی کرده است.

۶-۳- تحلیل مضامین اجتماعی

۶-۳-۱- انتقاد از فضای بسته جامعه

آزادی که مفهوم امروزی آن معادل مردم‌سالاری (دموکراسی) است، حق‌رهایی انسان از قید و بندهای موجود و آزادی‌های فردی و اجتماعی را برای بشر امروز به رسمیت می‌شناسد. «در ساده‌ترین مفهوم، آزادی عبارت است از این که هیچ مانع خارجی در راه تحقق آرزوهای شخصی موجود نباشد. هر یک از ما آزاد است به نوعی که می‌پسندد زندگی کند و از هر عقیده‌ای که درست می‌پندارد پیروی کند. البته به شرط آن که منافی آزادی دیگران نباشد» (محمدخان، ۱۳۸۳: ۲). «آزادی در جوامع اسلامی، عمدتاً، معطوف به وجه بیرونی بوده و وجوه بیرونی آن چندان که باید، مورد توجه قرار نگرفته است. از آنجا که جوامع اسلامی در گذشته، عمدتاً، بر امنیت، تأکید داشته‌اند، امکان گذر از آزادی درونی به وجه بیرونی، فراهم نشد» (غرایاق‌زندگی، ۱۳۹۴: ۴۵)؛ اما در دوره مشروطه، روشنفکران ایرانی در اثر آشنایی با ساختارهای سیاسی و اجتماعی اروپا، به عقب‌ماندگی کشور خود در این زمینه پی بردند و تنها راه برون‌رفت از این بن‌بست را

دموکراسی، قانون‌گرایی و آزادی دیدند و این اهداف متعالی را در بستر شعر، نمایش‌نامه، داستان، طنز و... گسترش دادند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به تحقق آزادی و رابطه آن با استقلال سیاسی و اجتماعی کشور، تصریح شده است. برابر اصل نهم این قانون، «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و احاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

حکومت‌ها وظیفه دارند به خواست‌های مشروع شهروندان در زمینه تحقق آزادی توجه کنند؛ اما گاهی در شرایطی خاص، تحقق این خواسته شکل نمی‌گیرد یا موانعی هرچند محدود، در راه آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به وجود می‌آید. نویسندگان که همواره، ستایشگران بزرگ آزادی‌اند، در این شرایط، فضای بسته جامعه را بر نمی‌تابند و مخالفت خود را با دیدگاه‌های اقتدارگرایانه در قالب هنر می‌ریزند. در دهه نود نیز مفهوم آزادی و موانع تحقق آن در ۶۳ کاریکلماتور، به شکل ملموس، مطرح شده است. در کاریکلماتور زیر، اعطاکردن مثقالی آزادی در جهان سوم دستمایه طنز قرار گرفته است:

- در جهان سوم، آزادی مثقالی اعطا می‌گردد (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

در کاریکلماتور زیر، فریاد آزادی راننده‌های تاکسی بیانگر آزادی بیان است؛ اما طنز کار در استفاده از قید «فقط» در ابتدای کاریکلماتور است که بنوعی، فقدان آزادی را به مخاطب گوشزد می‌کند.

- فقط راننده‌های تاکسی هستند که بی‌واهمه فریاد می‌زنند آزادی آزادی! (همان:

در این کاریکلماتور نویسنده با اشاره به یک بازی کودکانه، پری‌شدن آزادی را به تصویر کشیده است.

- کلاغ پرا! گنجشک پرا! کیوتر آزادی پریپر (همان: ۹۷).

در دو نمونه زیر هم فقدان آزادی را می‌توان حس کرد.

- اگر آزادی دست آدمی را بگیرد، آرزو اشک شوق می‌ریزد (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۶).

- چماق و سرنیزه فریاد را در سیاهچال سکوت می‌اندازند (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۵۶).

هرچند در بعضی از کاریکلماتورها به گونه‌ای صریح و آشکار آزادی را ستوده و خطر محدودکردن آن را گوشزد کرده‌اند؛ اما در بیشتر مواقع به زبان نمادین و سمبلیک متوسل شده‌اند. خاصیت تأویل‌پذیری و تفسیرهای گوناگون در شعرهای نمادین، علاوه بر ایجاد فشردگی کلام، متن را به سمت ابهام می‌کشانند.

در واقع شاعران، خود را متعهد به بیان دردهای اجتماعی می‌بینند؛ اما از یک‌سو، نمی‌توانند به تعهد خود، جامه عمل بپوشانند، و از دیگر سو، با بیان غیرمستقیم مسائل اجتماعی، سعی در تقویت عنصر ادبی شعر خود دارند. البته، تحلیل نمادها در کاریکلماتورهای دهه نود نشان می‌دهد که نویسندگان هیچ نوآوری در خلق نمادهای تازه ندارند و اغلب، از نمادهای تکراری بهره برده‌اند. باین‌حال، این نمادها در انتقال بهتر مفاهیم اجتماعی به مخاطبان و تأثیرگذاری بر ذهن و جانشان، مؤثر بوده است.

در کاریکلماتورهای زیر واژه «قفس» در مفهومی نمادین به کار رفته است. این واژه در متون عرفانی نماد جسم و دنیا است که پرنده روح در آن زندانی شده؛ اما در ادبیات معاصر، متناسب با مفاهیم سیاسی و اجتماعی، معانی ویژه‌ای چون زندان، فضای بسته اجتماع، تنگناهای زندگی نویسنده، زندگی افسرده و بی‌حاصل و... یافته است. با این معانی چندلایه، هیچ تأویلی نمی‌تواند یگانه معنی موردنظر شاعر باشد. در حقیقت، شاعر با خلق این نمادها، نوعی تعامل بین متن و مخاطب فراهم می‌آورد و از این رهگذر، خواننده را در آفریدن معنا سهیم می‌کند.

- قفس خالی پر از آزادی است (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۵).
 - خدا پرواز را آفرید، انسان قفس را (همان).
 - رها شدیم، از این قفس، به آن قفس (همان: ۳۸).
 - قفس قبر پرواز است (آزادبخوا، ۱۳۹۰: ۷۸).
- خشکسالی یکی از نمادهای پرکاربرد در مجموعه کاریکلماتور عباس گلکار است:
- به حکم خشکسالی، شکوفه در حصار خشک شاخه ماند (گلکار، ۱۳۹۸: ۶۳).
 - خشکسالی نگذاشت درخت، تولد دوباره سرچشمه را شکوفه باران کند (همان: ۷۰).
- به دستور خشکسالی، گل کردن گیاه در ملأ عام ممنوع است (همان).
- خشکسالی رقص ماه و ماهی را به خاک سپرد (همان: ۷۳).
 - کابوس خشکسالی صدای پای آب است (همان: ۶۳).
- واژه‌های مشخص شده در کاریکلماتورهای زیر هم در معانی نمادین به کار رفته‌اند:
- چراغ‌ها با شنیدن صدای باد شعله خود را پنهان کردند (همان: ۶۰).
 - دلم هوای تازه می‌خواهد و پشه‌های آن سوی پنجره خون تازه (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۲۰۲).
- چراغی برافروز، حالا شب روزگار همه را سیاه خواهد کرد (همان: ۵۶).
- نویسندگان کاریکلماتور اگرچه با شناسایی نابسامانی‌های اجتماعی و بیان هنری آنها، هم اعتراض خود را به گوش مخاطبان می‌رسانند و هم در جهت آگاهی‌بخشی جامعه گام برمی‌دارند؛ اما همواره، از یأس روی برمی‌تابند و با امید، بر زخم جان مخاطبان مرهم می‌نهند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت امید به آینده‌ای بهتر و اصلاح جامعه در کاریکلماتورهای این دهه بازتاب دارد:
- بامداد بیداری با طلوع هزاران خورشید، آغاز می‌شود (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۶).

- آفتاب جهان‌تاب از این که پشت تکه ابری قرار گیرد، لحظه‌ای، غصه به دلش، راه نمی‌دهد (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۷۴).

- حتی موهایم هم می‌دانند که پایان شب سیه سفید است (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

- سحر از زیر لحاف شب، بیرون می‌آید (تنها، ۱۳۹۰: ۲۱).

۶-۳-۲- فقر و تورّم

فقر، تورّم و اختلافات شدید طبقاتی یکی از معضلات جامعه ایرانی است که سیمای آن را در لابه‌لای متون طنزآمیز ادبیات این سرزمین می‌توان دید. در حکایات طنزآمیز عبیدزاکانی و آثار طنزآفرینان دوره مشروطه به انتقاد مستقیم و غیرمستقیم از این معضل و عوامل ایجاد آن، پرداخته شده است.

در دهه‌های هشتاد و نود، تحریم‌های بین‌المللی و رکود اقتصادی سبب افزایش آمار تورّم و کاهش محسوس ارزش پول ملی شده که همین مسأله از یک‌سو و مدیریت نامطلوب اقتصادی از سوی دیگر، شکاف طبقاتی جامعه را عمیق‌تر کرده است. در چنین شرایطی، انتقاد به تضاد طبقاتی و روحیه سرمایه‌داری در جامعه اوج می‌گیرد.

نویسندگان کاریکلماتور با خلق مفاهیم و تصاویر گسترده از این معضل، خشم خود را لگدکوب‌شدن عزّت گروهی از مردم بی‌بهره از ثروت و امکانات جامعه نشان می‌دهند و با نشان دادن خنده‌ای تلخ بر لبان مخاطب سعی دارند از گزندگی این مفاهیم بکاهند.

استخراج سی مورد از این مفهوم در کاریکلماتورهای دهه نود بیانگر این مطلب است که این مسأله بیش از دیگر مفاهیم، بر روح و ذهن نویسندگان، سایه‌افکنده است. نکته مهم این که نویسندگان هنگام تصویر این مفاهیم در کاریکلماتور، هم به صراحت بیان توجه کرده‌اند و هم به بیان کنایی آنها.

در تصویر زیر، منحنی خط فقر آن قدر بالاست که هنگام دیدن آن، کلاه از سر می‌افتد. نویسنده با کنایه «کلاه از سر افتادن» و اغراق و بزرگ‌نمایی در مفهوم فقر، طنز را در کاریکلماتور تقویت کرده است:

- وقتی به خط فقر نگاه می‌کنم، کلامم می‌افتد (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۹).

امیر تنها به همین مفهوم از زاویه دیگری می‌نگرد:

- خط فقر آن قدر بالا بود که صدای هیچ اعتراضی به گوشش نمی‌رسید (تنها، ۱۳۹۰:

۲۴).

- قهرمان پرش ارتفاع هم به خط فقر نرسید (همان: ۶۷).

این نویسنده در یک تصویر طنزآمیز دیگر، بیرون آوردن جیب خالی را نشانه اعتراض ملت به آمار تورم می‌داند.

- ملت جیب خالی‌اش را در اعتراض به آمار تورم بیرون آورد (همان: ۲۴).

فقر به عنوان یک پدیده ناهنجار اجتماعی، آن قدر ذهن نویسنده را درگیر می‌کند که می‌تواند با آن، مفاهیم گوناگون طنزآمیز خلق کند. سهراب گل‌هاشم با مقایسه شکل نوشتاری دو واژه «فقیر» و «غنی» مفهومی طنزآمیز آفریده است.

- خوش به حال فقیر! یک حرف و سه نقطه از غنی بیشتر دارد (۱۳۹۵: ۹۰).

این نویسنده از نام پوتین، رئیس جمهور روسیه، در مفهوم ایهامی آن برای خلق یک کاریکلماتور انتقادی، بهره جسته است:

- روس‌ها پوتین دارند و ما انبوهی پابره‌نه (همان: ۱۱۶).

نویسندگان کاریکلماتور کیف پول را در روزهای آخر ماه اشک‌ریزان و پراسترس می‌بینند:

- در روزهای پایانی ماه، کیف پولم در فراق اسکناس اشک می‌ریزد (گل‌هاشم، ۱۳۹۵:

۱۸۹).

- کیف پولم روزهای آخر ماه، دچار استرس می‌شود (تنها، ۱۳۹۰: ۳۸).

گاهی فقر و تورّم آن قدر بر روح حسّاس نویسنده اثر می‌گذارد که بدون هیچ پیچیدگی و پوشیدگی، این مفاهیم را مقابل دیدگان مخاطب قرار می‌دهد. صراحت بیان نویسندگان در نمونه‌های زیر کاملاً مشخص است.

عباس گلکار در بیانی صریح و آشکار با مقایسه فقر و ثروت در مناطق بالا و پایین شهر، از تبعیض طبقاتی و نابرابری اجتماعی شاکی است:

- در اینجا/ حیوان دوستی/ بیداد می‌کند/ هزینه‌های جا، غذا، پوشاک، دارو/ درمان، آرایش و پیرایش سگ‌های بالای شهر/ بیش از هزینه درمان سوءتغذیه کودکان پایین شهر است (۱۳۹۸: ۴۳).

صراحت بیان در کاریکلماتورهای زیر هم آشکار است:

- دست خالی‌اش پر از پینه بود (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۹).

- زیر خط فقر، خیلی شلوغ شده است (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۲۴۴).

- آن قدر گرسنه ماند که از زندگی سیر شد (همان: ۳۴).

- از بس صورتم را با سیلی، سرخ‌کردم دیگر، خونی برایم نمانده است (آزادپخواه، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

- گرسنگی، کیفر گناهان احتمالی آینده کودکان گرسنه است (همان: ۴۰).

۶ - ۳ - ۳ - انتقاد از رشوه‌خواری، بی‌قانونی و...

اگرچه انتقاد نویسندگان کاریکلماتورهای دهه نود از ناهنجاری‌هایی چون فقر، سانسور، فضای بسته جامعه و... پررنگ بوده است؛ اما از محورهای دیگر نیز غافل نبوده و هرچند اندک به نقد آن نابسامانی‌ها پرداخته‌اند که فهرست‌وار به آن اشاره می‌شود.

- انتقاد از رشوه‌خواری:

سهراب گل‌هاشم در سه کاریکلماتور به تقبیح رشوه‌خواری پرداخته و آن را راهی برای نادیده گرفتن مقررات و باز و بسته‌شدن زبان می‌داند:

- خیلی‌ها با شنیدن صدای پول خاموش می‌شوند (۱۳۹۵: ۳۸).

- پول گاهی زبان را باز می‌کند و گاه می‌بندد (همان: ۴۲).

- تراول یعنی ویزای خروج از مقررات (همان: ۷۴).

- انتقاد از بی‌قانونی:

گریز از قواعد و ضوابط قانون در بی‌نظمی و رواج روش‌های ناهنجار برای تحقق اهداف و خواسته‌های نامطلوب مؤثر است. این پدیده غیرفرهنگی نیز از چشم نویسندگان کاریکلماتور دور نمانده و با واکنش صریح آنها روبرو شده است:

- قانون که پول گرفت، لگدمالی، قانونی شد (تنها، ۱۳۹۰: ۲۹).

- کودتاجیان قانون را چیدند (همان: ۱۳۱).

- بعضی‌ها پشت سر قانون، راه می‌روند تا روبروی قاضی، نایستند (گل‌هاشم، ۱۳۹۵:

۵۶).

- بعضی‌ها قانون را پیاده می‌کنند که خود سوار شوند (همان: ۱۰۹).

انتقاد از بیکاری، فرار مغزها، پارتی‌بازی، عدالت اقتصادی و... نیز در کاریکلماتورهای این دوره مطرح شده است:

- کامپیوتر مشکل کاغذبازی در ادارات را حل کرد؛ اما پارتی‌بازی را نه

(گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

- با فرار مغزها کار و کسب کله‌پزی‌ها بی‌رونق شد (همان: ۶۹).

- آقازاده یعنی استشنا در خلقت (همان: ۱۵۰).

- عدالت اقتصادی وقتی برقرار می‌گردد که از مالیات‌گیرندگان نیز مالیات گرفته شود (همان: ۱۷۰).
- مدّت‌هاست که عدالت نشان بی‌گناهان را گم کرده است (همان: ۲۳۶).
- در زرنگستان زدوبند به ریش راستی می‌خندند (گلکار، ۱۳۹۸: ۴۲).
- بیکاری مثل تخته‌پاک‌کن صورت مسأله زندگی را از تخته حافظه پاک کرد (آزادخواه، ۱۳۹۰: ۶۳).
- ترازوی عدالت مدّت‌هاست که از میزان خارج شده است (تنها، ۱۳۹۰: ۴۴).
- بررسی آماری این مجموعه‌ها نشان می‌دهد که نویسندگان کاریکلماتور، در ۲۵ مورد این مفهوم را به کار برده‌اند

۶ - ۳ - ۴ - انتقاد از سانسور و ممیزی

آزادی، دل‌پذیرترین دغدغه بشر و والاترین آرمان انسان معاصر است که باید آن را پایه دموکراسی و کرامت انسانی قلمداد کرد. به اعتقاد جان استوارت میل (John Stuart Mill)، «هرگز، نمی‌توان آزادی فکر را از دو آزادی همزاد دیگر؛ یعنی آزادی گفتار و آزادی نگارش مجزا کرد» (۱۳۷۵: ۵۴). ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی عقیده و بیان را در زمره حقوق اساسی انسانی برشمرده است. از نظر اسلام نیز انسان مختار است که عقیده خود را آزادانه، اعلام کند و درباره آن، با دیگران به بحث و استدلال، بپردازد.

یکی از دغدغه‌های انسان معاصر این است که حکومت‌ها حق آزادی عقیده، بیان و نگارش را برای شهروندان به رسمیت بشناسند. البته، ناگفته، پیداست که در هیچ کشوری، محدوده آزادی آن قدر گسترده نیست که به فساد و تباهی، توطئه، توهین به مقدّسات، برهم‌زدن نظم و امنیت جامعه و... بینجامد. باین‌حال، تعیین حد و مرز آزادی، خطر سانسور و محدودکردن نویسندگان را در نشر و ترویج عقاید به همراه دارد. از این رو،

همواره نویسندگان متعهد در آثار خود به این مسأله اعتراض کرده‌اند. این مفهوم در ۲۱ مورد از کاریکلماتورهای دهه نود بازتاب داشته است. نویسندگان کاریکلماتور، سانسور را سبب سکوت و پنهان کردن عقاید خود می‌دانند:

- ترس از سانسور، اشتهای نویسنده را به خوردن حرفش تحریک می‌کند (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۲۰).

- خیلی از نوشته‌هایم از ترس سانسور، مفقودالثر شدند (همان: ۱۶۵).

- سانسور یعنی هرس فکر نویسنده تا حدی که از دیوار حکومت بالا نرود (همان: ۲۱۲).

- بیشتر اوقات افکارم را با سکوت سانسور می‌کنم (همان: ۲۳۴).

- دهان شاعری را دوختند تا زبان دیگران، سکوت له‌شده‌ای باشد (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۸۸).

- نوشته‌هایم از ترس سانسور، به پشت کاغذ پناه بردند (تنها، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

سهراب گل‌هاشم که بیش از دیگر نویسندگان مسأله سانسور را در کاریکلماتورهای خود مطرح کرده، آن را به طنز، به مقدار جوهر قلم مرتبط می‌داند:

- در کشورهای عقب‌مانده، به قلم‌های بی‌جوهر آزادی داده می‌شود (۱۳۹۵: ۸۸).

- بسیاری از نویسندگان تنها، به اندازه جوهر خودکار و بزرگی افکارشان از آزادی می‌نویسند (همان: ۱۹۸).

به اعتقاد این نویسنده، سانسور حکومت در کنترل افکار و عقاید مؤثر نخواهد بود و نویسنده ردپای خود را باقی خواهد گذاشت:

- گیرم که قلمم را شکستند، ردپایش را چه خواهند کرد (همان: ۲۴۴).

- اگر قلمم را بشکنند، قلم پایم را می‌تراشم و با آن می‌نویسم (همان: ۱۱۲).

در کاریکلماتورهای زیر، حق آزادی بیان به رسمیت شناخته شده و محدود کردن آن تقبیح می‌شود:

- مجوز بیان، مجوز تنفس است (گلکار، ۱۳۹۸: ۷۸).

- اگر آزادی بیان چشم‌ها و گوش‌ها و مشت‌ها را باز نمی‌کند، هیچ مخالفی نداشت (همان: ۷۹).

- قلم کم حرف، عمرش طولانی‌تر است (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۲۴۹).

- مشکل آزادی بیان در این است که بعضی‌ها صدای بیان‌شان خیلی بلند است (همان: ۱۶۹).

- وقتی قلم شکست، سانسور، شروع به بشکن زدن کرد (همان: ۱۰۶).

۶ - ۳ - ۵ - انتقاد از سکوت جامعه و دعوت به همدلی و اتحاد

به عقیده نیچه، هنر ناشی از عدم تحمل هنرمند نسبت به وضعیت موجود است. این نارضایتی می‌تواند از هستی، جامعه یا زندگی خصوصی هنرمند باشد. بنابراین، هنر از جمله ادبیات امری اعتراضی است (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۸). یکی از مضامین انتقادی کاریکلماتورهای دهه نود، اعتراض به سکوت جامعه در مقابل نابرابری‌ها و ناهنجاری‌های موجود است. هرچند نویسندگان کاریکلماتور از اشاره مستقیم به اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... می‌پرهیزند؛ اما با تصویرسازی هنری از سکوت، مخاطب را به گونه‌ای نمادین، به مفاهیم ذهنی خود رهنمون می‌سازند.

- سکوت سراپا گوش است (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۱).

- سکوت سرچشمه فریاد تشنگی است (همان).

- در سرزمین‌های ساکت سکوت فریاد می‌کشد (آزادیخواه، ۱۳۹۰: ۶۶).

- از چراغ‌های خاموش، رود تاریکی سرچشمه می‌گیرد (همان: ۱۴۲).

- عمق سکوت به اندازه بلندی فریاد است (همان: ۱۴۴).

نویسندگان کاریکلماتور، سکوت جامعه را برنمی‌تابند. آنها مردم را به فریادکشیدن و همبستگی و اتحاد فرامی‌خوانند:

- عمری است که دارم سکوت را به شنیدن فریاد، دعوت می‌کنم (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۳۲).

- دریا لبریز از هم‌آغوشی قطره‌های باران است (همان: ۳۸).

- تمام خاموشی، چشم به دهانم دوخته (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۰).

- خورشید حاصل جمع هزاران ستاره است (همان: ۶۴).

آنها حتی به نجوایی نیز دل‌خوشند و فریاد را محصول نجواهای پراکنده می‌دانند:

- سکوت، آستن نجوای فریادشونده است (گلکار، ۱۳۹۸: ۳۰).

- نطفه فریاد در نجوای همدردی بسته می‌شود (آزادینخواه، ۱۳۹۰: ۲۲).

- از تجمع نجواها، فریاد زاده می‌شود (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۲۱۶).

۶ - ۳ - ۶ - انتقاد از انحطاط اخلاقی

کاریکلماتور یکی از عرصه‌های بیان مفاهیم اخلاقی است. در حقیقت، احساسات و عواطف نویسنده کاریکلماتور در خدمت تعلیم و تربیت مخاطب قرار می‌گیرد. در ادبیات سنتی، شاعران و نویسندگان بیشترین بهره را از آموزه‌های اخلاقی، برده‌اند. این گونه تعالیم گاهی، به شکل مستقیم و گاهی هم در قالب حکایات تمثیلی به مخاطبان ارائه می‌شد. امروزه نیز علی‌رغم زندگی ماشینی و پیشرفت سریع علم و صنعت، بشر بی‌نیاز از آموختن مفاهیم اخلاقی نیست. به همین سبب، وضعیت ناهنجار اخلاقی جامعه، نویسنده کاریکلماتور را قادر ساخته تا برترین معیارهای اخلاقی و انسانی و رایج‌ترین ناهنجاری را در قالب هنر بریزد و به ستایش یا نکوهش آنها بپردازد.

البته لازم است به یادآوری شود که کاریکلماتورنویس با شناخت بی‌تأثیری نصایح مستقیم، سعی دارد مفاهیم اخلاقی را در پوششی از صنایع ادبی بپیچاند. در ۱۸

کاریکلماتور مجموعه‌های بررسی شده، این شگرد به کار رفته است. در کاریکلماتورهای زیر غرور و خودستایی به عنوان یکی از معضلات بزرگ اجتماعی، در معرض نكوهش و تقبیح قرار گرفته است:

- همیشه در همایش بزرگداشت خود، به سر می‌برد (گلکار، ۱۳۹۸: ۲۳).

- تمام مغرورانی که به زمین سم می‌کوبیدند، نمی‌دانستند که روی سقف نازک گور خود، ایستاده‌اند (همان: ۸۷).

- غرور نشان نادانی است به سینۀ آدم (آزادخواه، ۱۳۹۰: ۲۸).

- سرانجام، تمام قلّه‌ها از کوه پایین می‌آیند (همان: ۳۴).

پدیده شوم ریا و اشاعۀ آن در جامعه، حساسیت نویسندگان را همواره برمی‌انگیزد. حافظ سردمدار مبارزه با ریا در تاریخ ادبیات ایران است. امروزه نیز به سبب آن که گره بسیاری از مشکلات با توسل به ریا گشوده می‌شود، همچنان، شاهد رفتار ریاکارانه در جامعه هستیم. کاریکلماتورهای زیر، ناهنجاری این خصلت را به گونه‌ای طنزآمیز به مخاطب می‌نمایاند.

- بازار ریا سکه است؛ صادقانه، اعلام مفلسی می‌کنم (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۸۲).

در این کاریکلماتور، نویسنده با ترکیب کنایی «سکه‌بودن بازار ریا» و اعلام مفلسی، خود را از این خصلت ناهنجار، مبرا کرده است.

- دوزیست بودنش این است که هم مرد مردستان است و هم شغال انگورستان (آزادخواه، ۱۳۹۰: ۵۶).

نویسنده در این کاریکلماتور با کاربرد اصطلاح «دوزیست» مفهوم ریاکاری را با طنز نشان داده است.

در نمونه زیر هم با تشبیه صورت ریاکار به قرص ماه و توجه بیش از حد مردم به او تا قبل از رسوایی، طنز مورد نظر را تقویت کرده است.

- آدم دورو تا وقت رسوایی، قرص صورتک ماهش مرکز گردهمایی نگاه‌هاست (همان: ۱۸).

کاریکلماتورهای زیر هم در نکوهش غفلت جامعه خلق شده‌اند. جالب اینجاست که نویسندگان در این نمونه‌ها، بین خواب و لالایی و زنگ ساعت، تناسب برقرار کرده‌اند تا پیوند میان غفلت و خواب را منسجم‌تر کنند:

- برای خواب غفلت از در و دیوار لالایی می‌بارد (گلکار، ۱۳۹۸: ۸۵).

- خواب غفلت انسان را دو خوابه می‌کند (همان: ۸۷).

- هیچ‌کس با زنگ ساعت از خواب غفلت بیدار نشده است (آزادخواه، ۱۳۹۰: ۷۲).

۶ - ۳ - ۷ - انتقاد از تخریب طبیعت

یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که تمدن‌های بزرگ در کنار مظاهر طبیعت شکل گرفته‌اند و نابودی تمدن‌ها نیز با تخریب طبیعت پیوند انکارناپذیری دارد. آبادانی زمین و پیوند انسان با طبیعت از مفاهیمی است که بارها در قرآن، احادیث و روایات بر آن تأکید شده است. قرآن بشر را به آبادانی زمین ترغیب می‌کند: *هُوَ أَتَشَاكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا* (هود/ ۶۱)؛ او شما را از زمین پدید آورد و خواست که آبادانش دارید.

پیامبر اسلام (ص) زمین را مادر انسان دانسته است که از شیرۀ جانس، بشر را می‌پروراند:

«در نگهداری زمین بکوشید و به آن حرمت نهید که مادر شماست. هر کس به روی آن کار نیک یا بدی انجام دهد، گزارش خواهد کرد. اگرچه زمین مسخر انسان است و می‌تواند از آن به شیوه‌های درست از آن بهره‌برداری کند».

اما امروزه، به سبب پیشرفت صنعت و تمدن، حرکت ویرانگرانه‌ای در تخریب جنگل‌ها، رودها، کوه‌ها و... شکل گرفته که زمین را در گرداب نابودی فرو برده است. در کنار جنبش‌های گوناگون حمایت از محیط زیست که سعی دارند با حرکت‌های اعتراضی، آثار ویرانگر صنعت و تکنولوژی را مهار سازند، هنرمندان نیز به میدان آمده‌اند تا با خلق آثار هنری اهمیت احترام به محیط زیست را به جهانیان گوشزد کنند. درخت‌کاری و پدیدآوردن فضای سبز یکی از مظاهر احترام به طبیعت است که بازتاب آن را در آثار هنری معاصر می‌توان مشاهده کرد. هنرمند امروز در گوشه و کنار کشور بویژه در روستاهای سرسبز شمال، با قطع درختان و مرگ جنگل روبروست. تخریب طبیعت و برافراشتن ویلاها و برج‌های رنگارنگ، روح هر انسان به ویژه هنرمندان را می‌آزارد. در نتیجه، در آثار خود با اعتراض به این مسأله روزنه‌امیدی برای بیداری و آگاهی مخاطب گشوده‌اند. در ۱۱ کاریکلماتور دهه نود تصویر تخریب زیست‌محیطی به شیوه‌ای طنزآمیز قابل مشاهده است:

- تبر، کلنگ احداث کویر است (گلکار، ۱۳۹۸: ۶۱).
 - بر جای درختان ریشه‌کن شده برج کاشته‌اند (همان: ۷۱).
 - سهم باران هر درخت بریده به آسیاب سیل ریخته می‌شود (همان: ۶۹).
 - این برج‌ها سنگ گورهای ایستاده باغ‌هاست (همان: ۶۶).
 - در زندگی، بارها زمین خورده‌ام؛ اما زمین‌خوار نشدم (گل‌هاشم، ۱۳۹۵: ۴۰).
- عباس گلکار که بیش از دیگر نویسندگان به این مسأله واکنش نشان داده، در کاریکلماتورهای خود، واقعیت‌های موجود را با حسن‌تعلیل درآمیخته و مفاهیمی طنزآمیز خلق کرده است.

علت‌های غیرواقعی قطع درختان را در نمونه‌های زیر می‌توان دید:

- درختانی که مانع عبور راه و رویش برج بودند، شبانه خشکیدند (۱۳۹۸: ۶۴).
- درختان را می‌برند تا سیل به آنها اصابت نکند (همان: ۶۸).

همچنین، در کاریکلماتورهای زیر با آوردن علتی غیرواقعی، برافراشتن برج‌ها را در دامنه‌های کوه البرز به این دلیل می‌داند که از نفوذ هوای کوهستان به شهر جلوگیری شود و به این ترتیب، با این حسن‌تعلیل و کاربرد ترکیب طنزآمیز و استعاری «برج‌کاری»، طنز را در کاریکلماتور تقویت کرده است:

- دامنه‌های البرز را برج‌کاری کرده‌ایم تا از نفوذ هوای کوهستان به داخل شهر، پیشگیری کنیم (همان: ۶۶).

محمّدعلی آزادخواه نیز این شگرد را در کاریکلماتور زیر به کار برده و برای بر روی آب آمدن ماهی، دلیل غیرواقعی مطرح کرده است:

- ماهی برای ابراز شکایت از محیط زیست بر آب آمد (۱۳۹۰: ۱۰۴).

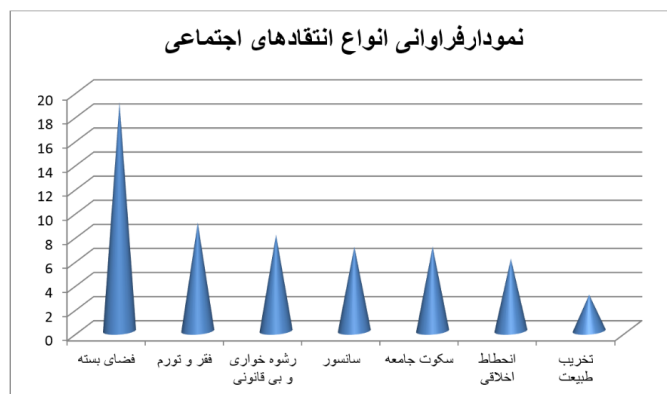
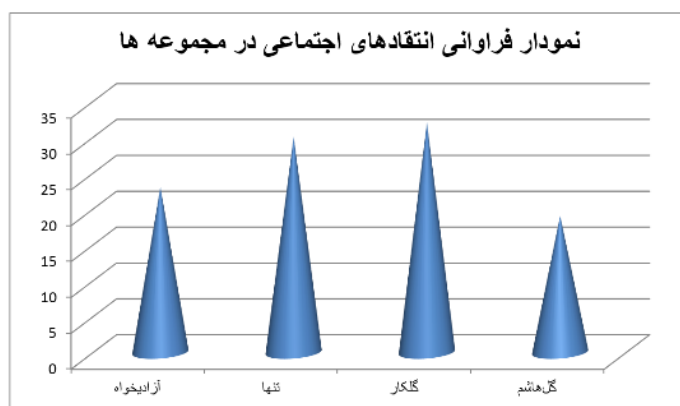
۷ - نتیجه‌گیری

بعد از تحولات سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه، تفکرات انتقادی و اصلاح‌طلبانه در ادبیات فارسی شکل گرفت و با ظهور نیما و ایجاد جریان سمبولیسم اجتماعی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، کاریکلماتور که ریشه در طنز دارد، از میان جنبش اعتراضی دهه‌های سی و چهل سربرآورد. پیروان این جریان نوآیین نیز از خلق مفاهیم طنزآمیز انتقادی غافل نماندند.

نگارندگان این پژوهش با بررسی و تحلیل انتقادهای اجتماعی در چهار مجموعه کاریکلماتور دهه نود به نتایج زیر دست یافتند:

- نویسندگان کاریکلماتور از میان مضامین گسترده اجتماعی به انتقاد از فقر و تورّم، سانسور، فضای بسته جامعه، سکوت جامعه، انحطاط اخلاقی، رشوه‌خواری و بی‌قانونی، تخریب طبیعت و... پرداخته‌اند. بررسی فراوانی این نمونه‌ها نشان می‌دهد که فضای بسته جامعه با ۶۳ مورد (۱۹ درصد) و فقر و تورّم با ۳۰ مورد (۹ درصد) بیش از دیگر مضامین اجتماعی در کاریکلماتورهای این دهه بازتاب داشته است.

- بررسی آماری مجموعه‌های کاریکلماتور بیانگر این مطلب است که عباس گلکار با ۳۳ درصد، بیش از دیگران با انتقادهای اجتماعی موقعیت‌های طنزآمیز خلق کرده است. فراوانی مفاهیم اجتماعی در بقیه مجموعه‌ها عبارتند از: امیر خوش‌وقتی (۳۰ درصد)، محمدعلی آزادخواه (۲۳ درصد) و سهراب گل‌هاشم (۱۹ درصد).



منابع

الف) کتاب‌ها

۱. آزادیخواه، محمدعلی (۱۳۹۰)، خوشمزه‌ترین میوه درخت. تهران: آموث.
۲. اسکارپیت، روبر (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: سمت.
۳. الحکیم، توفیق (بی‌تا)، فن‌الادب، بیروت: دارکتاب اللبنانی.
۴. انوشه، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ‌نامه ادب فارسی، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. براهنی، رضا (۱۳۷۱)، طلا در مس، تهران: زریاب.
۶. پلارد، آرتور (۱۳۸۳)، طنز، ترجمه سعید سعیدپور، چاپ سوم، تهران: مرکز.
۷. خوش‌وقتی، امیر (۱۳۹۰)، اتو برای چروک صورت. تهران: افراز.
۸. زرقانی، مهدی (۱۳۸۷)، چشم‌انداز شعر معاصر، چاپ سوم، تهران: ثالث.
۹. زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸)، چشم‌انداز شعر نو فارسی، تهران: توس.
۱۰. سارتر، ژان پل و دیگران (۲۵۳۶)، ادبیات و اندیشه (مجموعه مقالات)، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: کتاب زمان.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، موسیقی شعر، چاپ سیزدهم، تهران: آگاه.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، انواع ادبی، چاپ پنجم، تهران: فردوس.
۱۴. طالبیان، یحیی و تسلیم‌جهرمی، فاطمه (۱۳۹۱)، کاریکلماتور در گستره ادبیات فارسی، تهران: فصل پنجم.
۱۵. گلدمن، لوسین و دیگران (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات و اندیشه (مجموعه مقالات)، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
۱۶. گلکار، عباس (۱۳۹۸)، قفس خالی پر از آزادی است، تهران: نیلوفر.

۱۷. گل‌هاشم، سهراب (۱۳۹۵) ف قلم کم‌حرف. تهران: افراز.
۱۸. محمدخان، مهرنور (۱۳۸۳)، فکر آزادی در ادبیات مشروطیت ایران، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۱۹. موران، برنا (۱۳۸۹)، نظریه‌های ادبیات و نقد، ترجمه ناصر داوران، تهران: نگاه.
۲۰. میل، جان استوارت (۱۳۷۵)، رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۱. ولک، رنه و آوستن وارن (۱۳۷۳)، نظریه ادبیات، ترجمه ضیا موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

ب) مقاله‌ها

۱. باباصفیری، علی‌اصغر و طالب‌زاده، نوشین (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل شکواییه اجتماعی در شعر معاصر»، ادبیات پارسی معاصر، سال سوم، شماره اول، صص ۵۳-۳۱.
۲. بشیر، حسن و عرفان‌پور، میلاد (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی»، مجله مطالعات فرهنگ ارتباطات، دوره نوزدهم، شماره ۴۱، صص ۱-۳۰.
۳. طاهری ماه زمینی، نجمه و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی مضامین شعر اعتراض در ادبیات انقلاب اسلامی»، ادبیات پایداری، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۲۸۷-۳۰۷.
۴. عزیزمحمدی، فاطمه (۱۳۸۵)، «کاریکلماتور در وادی قابوس‌نامه»، روزنامه آفتاب یزد، سال چهاردهم، شماره ۱۷۶۱، ص ۷.
۵. غرایاق‌زندگی، داود (۱۳۹۴)، «امنیت و آزادی در اسلام»، مطالعات راهبردی، سال هجدهم، شماره چهارم، صص ۲۳-۴۸.
۶. کوشش، رحیم و نوری، زهرا (۱۳۹۶)، «بررسی ادب اعتراض در جریان شعری سمبولیسم اجتماعی»، زبان و ادب فارسی، سال نهم، شماره ۳۰، صص ۱۴۰-۱۲۵.

تحلیل انتقادهای اجتماعی در کاریکلماتورهای دهه نود ۲۲۹

۷. لنگرودی، شمس (۱۳۹۰)، «شعر و هنر یک نوع اعتراض است به جهان»، نشریه گزارش، شماره ۲۲۷، صص ۶۴-۵۸.